



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۷۴	تاریخ	۱۴۰۳/۱۱/۱۳
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل سوم: استدلال به سیره				
عنوان ۵	اشکال رادعیت آیات ناهیه از عمل به ظن از سیره عمل بر خبر واحد				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل درس گذشته

بیان شد که از اشکالات اساسی، در استدلال به سیره برای اثبات حجیت خبر واحد، این است که تمسک به سیره عقلاییه برای اثبات حجیت خبر واحد، با ردع این سیره توسط آیات ناهی از عمل به ظن مواجه می شود؛ چرا که خبر واحد نیز ظن آور است و این آیات، عمل به ظن را منع می کنند. در این راستا، اصولیین برای پاسخ به این اشکال، روش ها و اسلوب های متعددی را ارائه کرده اند. گفتیم روش اول، روش مرحوم شهید صدر رحمته الله بود. مرحوم شهید صدر رحمته الله در پاسخ به این اشکال، دو جواب ارائه می دهند:

- جواب اول: ارشادی بودن ادله ناهی از عمل به ظن: ایشان معتقدند ادله ناهی از عمل به ظن، در مقام بیان حکم مولوی نیستند، بلکه حکمی ارشادی به حکم عقل اند. عقل حکم می کند که تا دلیلی قطعی بر چیزی وجود نداشته باشد، نباید به آن عمل کرد و عمل بدون دلیل قطعی، مذموم و محکوم است. بنابراین، این آیات ارشاد به همان حکم عقلی هستند و ارتباطی به ظنون قائمه بر احکام، به ویژه ظن خبری ندارند؛ چرا که ظن خبری، بنا به فرض، دارای دلیل قطعی بر حجیت است؛ لذا ربطی به آنچه آیات ناهیه از عمل به ظن، از آن نهی می کنند، ندارد.
- جواب دوم: سیره عقلاییه به عنوان دلیل بر عدم شمول آیات: قیام سیره عقلاییه بر عمل به ظن خبری، خود دلیلی بر این است که آیات ناهی از عمل به ظن، شامل ظن خبری نمی شوند. اگر این آیات شامل ظن خبری می شدند، شکل گیری سیره عقلایی، به ویژه بین متشرعه، بر عمل به خبر واحد، معقول نبود. شکل گیری این سیره نشان می دهد که متشرعه، آیات ناهی از عمل به ظن را شامل ظن خبری نمی دانستند.

مرحوم میرزای نائینی رحمته الله علیه در پاسخ به اشکال تعارض، روش دیگری را مطرح می‌کنند. خلاصه روش ایشان این است که ادله دال بر حجیت ظن خبری - از جمله سیره عقلاییه - با جعل حجیت برای خبر ظنی، آن را به منزله علم قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، ادله دال بر حجیت، حاکم بر ادله ناهی از عمل به ظن می‌شوند؛ زیرا ادله ناهی می‌گویند به ظن عمل نکنید، در حالی که ادله حجیت خبر ظنی، آن را علم می‌دانند و لذا حاکم بر ادله ناهی از عمل به ظن هستند.

استاد شهید صدر رحمته الله علیه، دو اشکال بر این تقریب وارد می‌کنند:

اشکال اول: عدم امکان حکومت ادله حجیت خبر: ایشان معتقدند که حکومت، زمانی امکان‌پذیر است که یک دلیل، ناظر به موضوع دلیل دیگر باشد و در آن تصرف کند. این امر در صورتی محقق می‌شود که هر دو دلیل بر یک موضوع واحد وارد نشده باشند. در ما نحن فیه، یک دلیل، آیات ناهی از عمل به ظن است؛ مانند «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»^۱ که بیان می‌کند که علم، نیست و دلیل دیگر، دال بر حجیت خبر واحد است که اگر دلیل حجیت بگوید «ظن خبری علم است»، با دلیل ناهی از عمل به ظن معارض می‌شود، چرا که دلیل ناهی می‌گوید «الظن ليس به علم» و دلیل حجیت می‌گوید «الظن الخبری علم». در این صورت، این دو دلیل متباین می‌شوند و نسبت حکومت بین آنها برقرار نمی‌شود.

گویا ایشان آیات ناهیه از عمل به ظن را با آیات ناهیه از عمل به غیر علم و نسبت آنها با حجیت افتاء قیاس می‌کنند. توضیح بیشتر این است که ادله ای وجود دارد که ناهی عمل از به غیر علم در آنها صورت گرفته است. ر مورد افتاء، مفتی از قول معصوم یا حکم الهی اخبار ظنی حدسی می‌کند. در اینجا دلیل حجیت فتوا، بر مبنای میرزا - که دلیل حجیت را جعل العلم می‌داند - می‌تواند حاکم بر دلیلی باشد که می‌گوید «لا تعمل بما ليس به علم»؛ زیرا دلیل حجیت فتوا می‌گوید «الفتوى علم» و دلیلی که ناهی از عمل به غیر علم می‌کند، در موضوعش «علم» اخذ شده است. پس دلیل حجیت فتوا، ناظر به موضوع دلیل ناهی است و در آن تصرف می‌کند و افتاء را علم قرار می‌دهد. اما در مسئله خبر واحد، این گونه نیست و دلیل ناهی از عمل به ظن، نمی‌گوید «لا تعمل بما ليس به علم» تا علم در موضوع آن اخذ شده باشد؛ بلکه وقتی می‌گوید: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»؛ یعنی «الظن ليس علماً» و دلیل حجیت می‌گوید «الظن علم»؛ در نتیجه این دو دلیل، متباین می‌شود.

اشکال دوم: اشکال خاص به حکومت در سیره عقلاییه

در استدلال به سیره، اگر به سیره به لحاظ امضای آن حاکم است یعنی اگر مراد این باشد که امضای شارع دارد نسبت به آن سیره را حاکم بر ادله ناهیه از عمل به ظن بدانیم، در این صورت، خود این امضای شارع، متخصص ادله ناهی از عمل به ظن می‌شود و دیگر نیازی به اثبات حکومت نیست. به عبارت دیگر، اگر امضای شارع بر سیره عقلاییه ثابت شود، خود همین امضاء برای اثبات حجیت خبر واحد کافی است و دیگر نیازی به اثبات حکومت نیست.

اما اگر منظور این است که خود سیره عقلاییه بماهیهی حاکم است؛ یعنی عقلا بنا را بر علم بودن خبر واحد گذاشته‌اند و لذا سیره حاکم بر ادله ناهی از عمل به ظن شده است؛ این معقول نیست؛ زیرا عقلا نمی‌توانند در دلیل شارع تصرف کنند. به عبارت دیگر، هیچ حاکمی نمی‌تواند در دلیل حاکم دیگر تصرف کند؛ بلکه تنها خود آن حاکم می‌تواند در موضوعات احکام

خود تصرف کند. این مانند آن است که چند عاقل جمع شوند و در موضوعات احکام شرعی تصرف کند که این معقول نیست.

بنابراین، به نظر شهید صدر رحمته الله علیه، اگر مراد از حاکم، امضای شرعی سیره باشد، نتیجه اش تخصیص است و اگر مراد، خود سیره عقلاییه باشد، این عمل فضولی است و عقلاً بما هم عقلاً نمی توانند در حکم شارع تصرف کنند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین